

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۲

جمعه ۳۱ تیر ۱۴۰۱ / ۲۲ جولای ۲۰۲۲

ملاقات سران سه کشور: جنجال بر سر هیچ!

کاظم نیکخواه

روز ۱۹ ژوئیه برابر ۲۸ تیر ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان به تهران سفر کردند تا در اجلاس مربوط به سوریه موسوم به "روند آستانه" شرکت کنند. رسانه های وابسته به جمهوری اسلامی با این سفر جشن گرفتند و جمهوری اسلامی را در مرکز توجه جهان تصویر کردند و وانمود میکنند که جمهوری اسلامی قدرت مهمی در منطقه است و قرار است میان کشورهای بزرگ منطقه میانجی گری کند و نقش تاریخساز ایفا کند! رسانه های وابسته به روسیه نیز از یک اجلاس مهم و اتحاد کشورهای منطقه حول پوتین سخن میگویند.

از این بازیهای تبلیغاتی که بگذریم بطور واقعی هدف از این نشست اساسا ربط چندانی به آنچه اعلام شده یعنی سوریه ندارد بلکه اهداف دیگری پشت آنست و دستاوردهای آن نیز بسیار کمتر از آنست که وانمود میشود. بطور خلاصه هر سه سران این سه کشور در تلاشند که از این نشست استفاده تبلیغاتی در جاهای دیگری بکنند و موقعیت نامطلوب خود را بهبود بخشند. مساله اینست که جنگ اوکراین یک شکست

سیاسی برای پوتین بوده و او را در دنیا منزوی کرده و روسیه را زیر فشار جدی ای قرار داده است. جمهوری اسلامی نیز با حمایت از پوتین و همراهی با او، زیر فشار گسترده تری قرار گرفته و منزوی تر شده است. بعلاوه حکومت اسلامی در عراق و لبنان زیر فشار برای خارج شدن قرار دارد. و در مساله برجام نیز امیدهایش بر باد رفته و به جایی نرسیده است. محاکمه حمید نوری در سوئد نیز در سطح دنیا نفرت و انزجار بیشتری علیه این حکومت دامن زده است. در داخل کشور نیز میدانیم که با گسترش وسیع جنبشهای اعتراضی و سرنگونی طلبی روبروست. اردوغان نیز مدتهاست که دچار وضعیت بی ثباتی داخلی و مشکلات بین المللی است و میخواهد از این نشست برای امتیازگیری و رسیدن به توافقات مناسب تر در غرب استفاده کند. اما نکته اصلی اینست که قطعا این نشست اتحاد و ائتلافی را باعث نخواهد شد. هر سه این دولتها با هم مشکلات و جنگ و جدالها و معضلات جدی و چند جانبه ای دارند. با این نشست بیش ادامه در صفحه ۱

قانون "تروریسم پناهی" دولت بلژیک را طرد و رسوا کنیم!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲
صفحه ۱۲



اهمیت و جایگاه اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی

گفتگو با برنامه خط رفاه در کانال جدید

صفحه ۳

اتحاد جنبش های اجتماعی علیه سرکوب گری های حکومت

شهلا دانشفر
صفحه ۶

رئییسی و راهکارهای اقتصادی در مناطق مرزی

نسان نودینیان
صفحه ۷

احتضار جمهوری اسلامی و خدای سال شخصتش

مهران محبی
صفحه ۸

پایان حکومت و خودیهای "مغضوب" و پشیمان

هادی وقفی
صفحه ۹

گزارش شبنم آشوری از وضعیت واله زمانی کارگر زندانی

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (Free Them Now)

صفحه ۱۱

انقلاب زنانه: به کارزار آزادی زنان معترض به حجاب،

پیوندید!

#حجاب_بی_حجاب

صفحه ۱۳

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۴ و ۱۵



کشاکشهای منطقه بود. او همچنین گفت آمریکا به همکاری خود با دولت‌های شرکت کننده در نشست متعهد است و هیچگاه اجازه نخواهد داد که جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دست پیدا کند. در نشست جده سران کشورهای عربستان، کویت، امارات، عمان، قطر و بحرین (از شورای همکاری خلیج فارس) به همراه سران کشورهای عراق، اردن و مصر حضور داشتند. اینها کشورهایی هستند که در صف مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند و بویژه با تلاشهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی همه متفق القولند که مانع چنین تحولی شوند. و از این نظر میتوان گفت که جمهوری اسلامی به اتحاد بیشتر آنها کمک کرده است.

نشست تهران میان پوتین و اردوغان و رئیس‌ی که ظاهراً عکس العملی به نشست فوق بود، نسبت به نشست جده یک شکست محسوب میشود

نشست تهران میان پوتین و اردوغان و رئیس‌ی که ظاهراً عکس العملی به نشست فوق بود، نسبت به نشست جده یک شکست محسوب میشود

اسلامی نیز رابطه سر راستی ندارند. در موضوع برجام دولت پوتین علیه جمهوری اسلامی مانع تراشی میکند و موفق شده مانع این شود که نفت ایران جای نفت و گاز روسیه را بگیرد و این سران جمهوری اسلامی را بشدت عصبانی کرده است. برخی معضلات دیگر را نیز میشود در مناسبات این سه دولت برشمرد. طبعاً رابطه روسیه و جمهوری اسلامی قابل ترمیم تر است تا رابطه این دو با ترکیه. اما در شرایط فعلی آنها هم چندان ساده نیست.

نکته مهم دیگر در این رابطه سیاست دولت بایدن است که سه روز قبل از آن در جده در نشست سران عضو "شورای همکاری خلیج بعلاوه سه" شرکت کرد و بر این تاکید کرد که آمریکا سیاست فعالی در منطقه ایفا خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که خلأی ایجاد شود که مخالفینش آنرا پرکنند. اشاره اش به سیاستهای دوره ترامپ و بیرون کشیدن از

از صفحه ۲
از آنکه به اتحاد و ائتلافی برسند ظاهراً توافق کرده اند که ایمیچی از اتحاد را به بیرون مخابره کنند تا در جاهای دیگری از آن شاید بتوانند استفاده کند. بویژه پوتین به دادن این تصویر از وضعیت خود در دنیا نیاز حیاتی دارد تا نشان دهد که منزوی نیست. اما اختلافات و کشاکشها و جنگهای نیابتی این سه دولت هیچ تغییری نخواهد کرد و در جای خود ادامه خواهد یافت.

بطور خلاصه مساله اینهاست: اردوغان در اوکراین متحد زلنسکی است و بعنوان عضو ناتو سلاحهایش را علیه پوتین بکار گرفته است. هیچ تغییری از این نظر قرار نیست صورت گیرد. در سوریه دولت اردوغان در جبهه مقابل پوتین و جمهوری اسلامی قرار دارد. در عراق نیز نیروهای متحد ترکیه نظیر احزاب ناسیونالیست کرد بارزانی و امثالهم مقابل جمهوری اسلامی صف آرایی کرده اند. حتی پوتین و جمهوری

است جمهوری اسلامی قرار دارد که با تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی و دفاع از تروریسم و غیره صف گسترده ای را علیه خود بسیج کرده است و ادامه عمر آن میتواند بحرانهای خطرناک منطقه ای را نیز سرعت تشدید کند. سرنگونی این حکومت یک فاکتور مهم در ایجاد بی ثباتی در منطقه را حذف خواهد کرد.

و بویژه گویای وضعیت نزار جمهوری اسلامی و دولت پوتین است.

تا آنجا که به معادلات منطقه خاورمیانه مربوط میشود مساله اصلی اینست که این نشستها و قطب بندیها مستقل از اثرات و عوارض فوری آن، بذر جنگها و کشاکشهای آتی را آبیاری میکند و خطرات جدی ای را متوجه مردم مینماید. در مرکز بحرانهایی که در راه

کمیته بین المللی علیه اعدام برگزار می کند:

MON, Jul 25, 8 PM (GMT+2)

آخرین اخبار از وضعیت جمشید شارمهد با عزاله شارمهد و مینا احدی



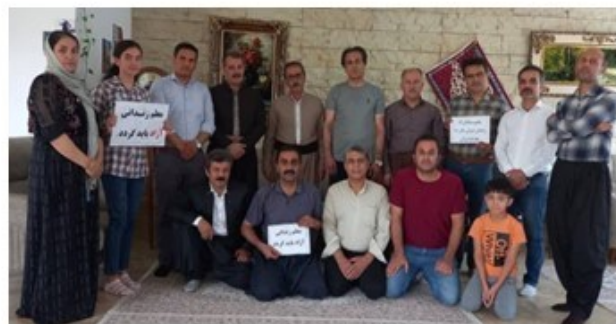
w/ Nooshin Kad, Gaele Sharmahd, Mina Akhadi,

آخرین اخبار از وضعیت — Hasan Salehi, Mirhossein Rahmani,

جمشید شارمهد، مینا احدی، نازک بگناریم

جمشید شارمهد را اعدام کند

بازداشت شدگان معدن مس سونگون باید فوراً آزاد شوند



چهارشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۱
دیدار جمعی از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان (سقر و زیویه) با خانواده‌های معلمان بازداشتی دیواندره و اعلام حمایت از معلمان بازداشتی

بازداشت شدگان معدن مس سونگون باید فوراً آزاد شوند

کمیته بین المللی علیه اعدام برگزار می کند:
آخرین اخبار از وضعیت جمشید شارمهد با عزاله شارمهد و مینا احدی

کلاب هاوس، دوشنبه ۲۵ ژوئیه ساعت ۸ شب به وقت اروپای مرکزی

لینک کلاب هاوس:

<https://tinyurl.com/5t3b4tmd>

اهمیت و جایگاه اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی

حمید تقوایی

تدوین شده بر مبنای گفتگو با برنامه خط رفاه در کانال جدید

حسن صالحی: حمید تقوایی حزب کمونیست کارگری چند سالی است که به دامن زدن به اعتصابات سراسری و شکل گیری اعتصاب عمومی بعنوان یک رویکرد مبارزاتی تاکید دارد. بعنوان اولین سوال چرا شما چنین تاکیدی دارید و اهمیت این مساله از نظر حزب کمونیست کارگری ایران چه هست؟

حمید تقوایی: در همه اعتراضات و مبارزات و همه انقلابات اعتصاب اسلحه مهمی است که مردم علیه حکومتها بکار میگیرند. اعتصابات معمولا یا حول مطالبات مشخصی است و یا در یک شرایط بحران سیاسی، مثل شرایط امروز ایران، علیه کل حکومت است. گرچه ممکن است که اعتصابات مستقیم علیه حکومت شعاری ندهند ولی وقتی حکومتی با بحران و بن بست روبرو است هر اعتصابی با هر خواست و مطالبه ای تبدیل میشود به یک تعرض سیاسی مردم. در شرایط امروز ایران حتی در سطح خواستها و شعارها هم این جنبه سیاسی قابل مشاهده است. امروز در اعتراضات شعارهایی مطرح میشود در مورد آزادی زندانیان سیاسی - تقریبا همه مبارزات و اعتصابات این شعار را دارند- یا علیه فقر، علیه دستمزدهای پنج مرتبه زیر خط فقر، علیه بی حقوقی، علیه فساد و حتی علیه مقامات حکومت علیه رئیسی، علیه وزیر کار، علیه این یا آن مدیر و کارفرما و غیره. اینها نشاندهنده این است که اعتصابات از چارچوب مطالبات مشخص و صنفی فراتر رفته است و تبدیل شده است به یک تعرض سیاسی به حکومت.

بویژه در شرایط بحرانی در جامعه ایران که میتوان گفت پیش از هر زمان از سال ۹۶ تا به امروز ادامه داشته و جنبش سرنگونی طلبانه مردم مدام گسترده تر و تعرضی تر شده است اعتصابات کارگری نیز رو به اوج بوده است. بنظر من در شرایط حاضر شکلگیری اعتصابات هم کاملا عملی و امکان پذیر است و هم در روند سرنگونی رژیم جایگاه مهم و تعیین کننده ای دارد. تاکید ما بر اعتصابات بر این شرایط عینی و واقعی مبتنی است.

حسن صالحی: الان ما بخشا اعتراضات سراسری را داشتیم، مثلا در صنعت نفت که کارگران بطور سراسری دست به اعتصاب زدند و همینطور معلمان اعتراض و اعتصابات سراسری داشتند و همینطور بخشهای دیگری هم اعتصابات سراسری بشکل اختطاری و کوتاه مدت داشتند. سوال من این است که حزب کمونیست کارگری از اعتصاب عمومی صحبت میکند، چطور این اعتصاب سراسری، اعتصابات موجود میتواند تبدیل بشود به اعتصاب عمومی؟

حمید تقوایی: اول باید تعمق کرد که اعتصاب عمومی به چه معنی بکار برده میشود و بطور واقعی به چه شکل و با چه مکانیسمی اعتصاب عمومی رخ میدهد. تجربه انقلابات در دنیا و در خود ایران، هر جا با اعتصابات سراسری و وسیع روبرو هستیم، نشان میدهد که لزوما و معمولا اعتصابات عمومی حول یک شعار واحد شکل نمیگیرد. اینطور نیست که بخشهای مختلف جامعه حول یک شعار واحد، مثلا سرنگونی حکومت، یا علیه یک سیاست معین حکومت یا علیه این یا آن

مسئول و مقام حکومتی دست به اعتصاب میزنند. این معمولا پیش نمی آید. اعتصاب عمومی معمولا وقتی رخ میدهد که بخشهای مختلف جامعه، فراتر از کارگران که معمولا هستند، نظیر دانشجویان، کارمندان دولت، بازاریان، مغازه داران و کسبه و سایر بخشهای جامعه بطور همزمان دست به اعتصاب میزنند. ممکن است هر کس خواست بر حق خودش را داشته باشد ولی نفس اینکه موجی از این اعتصابات بطور همزمان در یک مقطع، در یک پریود زمانی در یک جامعه ای رخ میدهد، به معنی اعتصاب عمومی است. این شرایط بیانگر دو واقعیت است: اول اینکه یک نارضایتی عمومی از وضعیت جامعه وجود دارد، یک مساله عمومی همه جامعه را تحت فشار قرار داده و مردم دیگر نمیتوانند این شرایط تحمل کنند و ثانيا بخشهای مختلف مردم به این نتیجه رسیده اند که با اعتصاب میتوانند وضعیت را عوض کنند. این شرایط عمومی هست که به اعتصابات سراسری و نهایتا اعتصاب عمومی شکل میدهد. بطور خلاصه بنظر من اعتصاب عمومی اعتصاب همزمان بخشهای مختلف جامعه است که اولاً در یک شرایط بحران سیاسی رخ میدهد و ثانيا وقتی رخ میدهد که هر بخش جامعه به اینجا رسیده باشد که جز با اعتصاب نمیتواند به خواستهای برحق خود دست پیدا کند. بنظر من این قاعده برقرار است و اعتصاب عمومی به همین شکل رخ خواهد داد.

حسن صالحی: شما فکر میکنید در حال حاضر جامعه ایران بسمت شکل

دادن به یک اعتصاب عمومی میرود؟ زمینه های شکلگیری یک اعتصاب عمومی را چقدر در چشم اندازی ببینید؟

حمید تقوایی: بنظر من روندی که شاهدش هستیم نشان میدهد که ما بطرف یک اعتصاب عمومی میرویم. ببینید ما چند سال است که بر اعتصابات سراسری تاکید داریم بعنوان پیش شرط اعتصاب عمومی و امروز خوشبختانه اعتصابات سراسری نمونه های زیادی دارد. یک نمونه اعتصاب کارکنان نفت است. در دوسال اخیر بخشهای گسترده ای از کارگران نفت در چندین شهر و مرکز تولیدی دست به اعتصاب زده اند که تا امروز ادامه دارد. قبلش در سال ۹۷ اعتصاب رانندگان کامیون را داشتیم که آنهم سراسری بود. اعتصابات معلمان نیز نمونه دیگری است. بنابراین میتوان گفت تاکید ما بر اعتصابات سراسری امروز به واقعیت تبدیل شده و همین نشان میدهد که ما یک گام بزرگ به اعتصاب عمومی نزدیک شده ایم. در این یکی دو ماه اخیر شاهد این بودیم که کارگران در حمایت از بخشهای دیگر جامعه اعتصاب اختطاری میکنند و یا مادران دادخواه فراخوان اعتصاب میدهند و گفتمان اعتصاب و فراخوان به اعتصاب هر روز گسترده تر میشود و بخشهای جامعه به این روی می آورند. این واقعیت هم نشان میدهد روندی که در جامعه ایران شروع شده است بسمت شکلگیری اعتصابات عمومی پیش میرود.

حسن صالحی: شما مطرح کردید که مساله همزمان بودن اعتصابات در بخشهای مختلف

جامعه میتواند به شکلگیری یک اعتصاب عمومی منجر بشود و سرآغاز موجی از اعتصابات در سراسر کشور باشد. سوالی که مطرح هست این است که چکار باید کرد که ما به این سمت برویم که بخشهای مختلف جامعه در یک پریود زمانی، همزمان با هم وارد اعتصاب بشوند و یا آنطور که شما میگویید هر بخشی برای خواستهای خودش. برای تحقق این امر باید چکار کرد؟

حمید تقوایی: این اعتصابات چند ماهه اخیر و باید گفت در یکسال اخیر که ما شاهدش هستیم علاوه بر اینکه سراسری بودند سازمانیافته هم هستند. یعنی ارگانهای، نهادها و چهره های کاملا معرفی و شناخته شده در جامعه، در راس آنها قرار داشته اند. مثل شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و یا شورای سازماندهی اعتصابات کارگران پیمانی نفت یا کلا شورای کارگران نفت که در هفشجان سال قبل یک تجمع باشکوهی را داشتند و یا شورای ۵ هزار نفره هفت تپه و غیره. بنابراین بحث تنها بر سر سراسری بودن نیست. یک یک نقطه قوت مهم اعتصابات جاری سازمانیافتگی است. بدون این سازماندهی اعتصابات سراسری در کار نمی بود.

برای رفتن بطرف اعتصابات عمومی هم باز همین سازمانها و همین رهبران عملی اعتصابات نقش تعیین کننده ای دارند. اولین گام این است که این نهادها در حمایت از همدیگر، در پشتیبانی از حرکتهای اعتراضی جاری- و نه فقط از اعتصابات دیگر بلکه از جنبش های اعتراضی و تجمعات بانزشتگان و غیره- به ادامه در صفحه ۴

اهمیت و جایگاه اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی

حمید تقوایی

از صفحه ۳

میدان بیابند و اعلام اعتصاب کنند، اعتصاب حمایتی کنند، میتواند موقت هم باشد، میتواند اختطاری باشد، اعتصاب چند روزه باشد، ولی نفس اینکه در حمایت از بخشهای دیگر جامعه است بنظر من یک خصلت عمومی به آن میدهد و اجازه میدهد که کل جامعه توجه اش به مبارزه معینی جلب بشود و الگویی بشود برای بخشهای دیگری که آنها هم به میدان بیابند.

نکته بعد این است که اعتصابات لزوماً خواست مشترکی ندارند ولی یک خواستهایی هست که فی الحال عمومی است. مثلاً فرض کنید وقتی که معلمان برای رتبه بندی یا ارتقا و تامین شرایط معیشتی شان مبارزه میکنند این کاملاً همخوان است، همسو است، منطبق است بر مبارزه کارگران علیه دستمزدهای زیر خط فقر. یا مبارزه بازنشستگان هم تا آنجایی که به شرایط معیشتی مربوط میشود دقیقاً مربوط میشود به مساله حقوق ها و دستمزدها. به این معنا بطور عینی یک خواستهایی هست که وسیعاً در جامعه مطرح است. بر اینها باید تأکید کرد این خواستها فقط خواستهای اعتصاب نیست خواستهای اعتراضات، تجمعات، تظاهرات شهری و غیره هم هست بر این خواستها باید تأکید کرد.

و بالاخره از نظر سازماندهی بنظر من ارتباط مستقیم و تنگاتنگ بین این شوراها و این کمیته ها و رهبران عملی بخشهای مختلف تعیین کننده است. اینها میتوانند خودشان را هماهنگ کنند و همزمان فراخوان بدهند.

الان بازنشستگان وقتی فراخوان تجمع میدهند می بینید که معلمان هم از آنها حمایت میکنند یا بخشهای دیگر هم حمایت میکنند در مورد اعتصابات هم همین اتفاق میتواند بیفتد و باید بیفتد. اینها قدمهای مشخصی است که میشود بطرف اعتصاب عمومی بجلو برداشت.

حسن صالحی: اشاره

کردید اعتصاب عمومی لزوماً بر سر خواسته های واحد شکل نمیگیرد ولی در عین حال اشاره کردید که خیلی از خواستها هم واحد است و مشترک است بین بخشهای مختلف مردم سوال این است که چرا نمیتواند این خواست واحد منبانی باشد برای یک تحرک عمومی در شکل اعتصاب عمومی در کل جامعه؟

حمید تقوایی:

خواستهای مشترک هست ولی در عین حال در قالب خواستهای ویژه هر بخشی خود را نشان میدهد. من فکر میکنم تا آنجایی که به بخشهای مختلف مردم مثلاً معلمان مربوط میشود اگر شما مثلاً افزایش حقوقها و دستمزدها را طرح کنید اما مساله تحصیل رایگان و رتبه بندی مشاغل که معلمان به آن اعتراض دارند و یا غیرایدئولوژیک کردن مدارس که یک خواست معلمان است اینها را از آن کم کنید از قدرت جاذبه اعتصاب در میان خود معلمان کم کرده اید. بنابراین در عین اینکه یک شعارهایی واحد است و باید بر آنها تأکید کرد در عین حال مهم است که شعارهای مشخصی که هر بخشی طالب آن است را طرح کنید تا توده کارگر یا توده مورد تعرض در آن بخش را به میدان بکشید و به اعتصاب بکشید. برای

اینکه اعتصاب ادامه کار و قوی باشد لازم است که خواستهای مشخص آن بخش هم مطرح بشود.

نکته دیگر اینکه باید جامعه در مبارزات سرنگونی طلبانه اش واقعا بسیار پیشرفت کند تا یک شعار واحد مثلاً کافی باشد تا همه را بحرکت در بیاورد. تا کنون شعارهایی که در اعتراضات و تجمعات شهری داشتیم یک مجموعه از این مطالبات مشخص را در برمیگیرد در حالیکه شعارهای کوبنده سیاسی مثل مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر رئیسی و آخوند بروگم شو و غیره در تظاهرات و شورشهای شبانه مطرح میشود. نمیشود انتظار داشت که در توازن قوای حاضر کارگران و یا بخشهای مختلف جامعه علناً بیابند طلبانه اعتصاب کنند. در این شرایط حول اینها اعتصاب شکل نمیگیرد ولی حول خواستهای معیشتی و عمومی، خواستهای برحق عمومی علیه گرانی و برای افزایش دستمزدها و امنیت شغلی و غیره اینها میوانند عمومیت پیدا کنند. در عین حال هر بخشی خواست خودش را دارد و بمنظور اینکه بخش هرچه وسیعتری از جامعه را شما بیدار کنید اعتصاب بکشید لازم است که آن خواستهای ویژه را هم عنوان کنید. به این معنا میتواند اعتصابات شکل بگیرد و گسترده بشود.

حسن صالحی: این

اعتصابات در مراکز خاصی صورت میگیرد و به تعطیلی کشاندن مراکز کار منجر میشود ولی در عین حال ما در ایران اعتراضات خیابانی داریم، تظاهرات خیابانی داریم. بعضاً روزانه و یا شبانه. چگونه اینها میتوانند به هم پیوند پیدا

کنند تا بتواند یک نیروی موثری باشد برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی؟

حمید تقوایی: اینها

اشکال مختلفی از اعتراض است که معمولاً در یک شرایط انقلابی همزمان رخ میدهند و در ایران هم ما این را می بینیم. از یک سو ما اعتراضات و تظاهرات و تجمعات خیابانی را داریم و از یک طرف اعتصابات و مبارزات سراسری را. نظیر مبارزات کارگران و یا معلمان و بازنشستگان و غیره. اینها کاملاً روشن است با هم همسو هستند و همدیگر را تقویت میکنند. منتها بر نقش اعتصاب باید تأکید ویژه ای گذاشت برای اینکه اسلحه برایی است که ماشین حکومتی را کاملاً فلج میکند و از نظر قدرت سرکوب و غیره این قدرت را از حکومت تا حد زیادی میگیرد.

بینید جمهوری اسلامی بارها تظاهرات شهری روبرو شده و با نیروهای ضدشورش با شنیع ترین و وحشیانه ترین کشتارها و غیره با آن برخورد کرده و با دستگیری های وسیع و غیره. اما پراحتی با اعتصابات کارگری یا اعتصابات بخشهای مختلف در جامعه نمیتواند این برخورد را بکند. اعتصاب بنابراین از نظر باصطلاح توازن قوا اسلحه برتری است. لاقلاً در این شرایط امروز که صحبت میکنیم برای اینکه ما بتوانیم کل جامعه را بحرکت در بیاوریم باید به اعتصابات دامن بزنیم و این به نوبه خودش روحیه و امکان میدهد و یک الگویی میشود برای تظاهرات هم، برای تجمعات هم، برای شورشهای شهری هم. به این معنا بعنوان پشتوانه و یک ستون فقرات

اعتراضات شهری هم اعتصابات نقش مهمی دارد.

این را هم اشاره کنم که اعتصابات بخش خدمات بسیار تعیین کننده است. بخش خدمات شهری مثلاً مترو یا اتوبوسرانی یا راه آهن یا رانندگان کامیون و کامیونداران و کارگران شهرداری و غیره. اعتصاب اینها جامعه را فلج میکند و به این معنا حکومت را کاملاً تحت فشار قرار میدهد و در امپاس قرار میدهد و به نوبه خودش باعث میشود که مردم هم در حمایت از این اعتصابات و علیه اعتصابات و بخشهای خدماتی.

حسن صالحی: اگر

جامعه اینطور که شما تصویر میکنید وارد یک اعتصاب عمومی بشود فکر میکنید میتواند جمهوری اسلامی را بزانو در بیاورد و به سرنگونی حکومت منجر بشود؟

حمید تقوایی: به تنهایی

هیچ نوع مبارزه ای نمیتواند اینکار را بکند ولی اعتصاب عمومی میتواند ضربه کاری به حکومت بزند. وقتی اعتصاب عمومی همزمان بشود با تظاهرات و تجمعات شهری- مطمئن باشید در شرایطی که اعتصابات گسترده شده مسلماً تجمعات وسیعی هم خواهیم داشت یعنی در خلا این اتفاق نخواهد افتاد- در این صورت بنظر من دیگر آخر عمر جمهوری اسلامی فرا رسیده. روشن است هر انقلابی در هر حال ممکن است به مبارزه مسلحانه کشیده بشود. به احتمال زیاد مردم باید دست به اسلحه ببرند، باید قیامهای ادامه در صفحه ۵

اهمیت و جایگاه اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی

حمید تقوایی

جنبشهای اعتراضی در میان کارگران، کارگران نفت، هفت تپه، فولاد اهواز، کارگران مترو، کارگران واحد، معلمان، دانشجویان، جنبش دادخواهی، بخشهای مختلف جامعه، خطاب من به دست اندرکاران فعالین این جنبشها این است که در کنار هم قرار بگیرند به وحدت نظر برسند به هماهنگی برسند برای سازماندهی یک حرکت عمومی گسترده که بتوانیم ضربه نهایی را به جمهوری اسلامی وارد کنیم. ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاپی کردن متن اولیه این مصاحبه.

همنظری برسند، به هماهنگی برسند، از خواستهای عمومی که بشود روی میز گذاشت تا حمایت از خواستهای بخشهای دیگر و تا حتی فراخوان و تعیین روز و ساعت و مکان مشخص برای دست زدن به اعتصاب، یا همراهی کردن اعتصابات و تجمعات در حمایت از تظاهرات، اعتصاب اختطاری یا حمایتی کردن مثلا برای آزادی زندانیان سیاسی، آزادی معترضینی که معلمان و همه بخشهای جامعه خواهان آزادی آنها هستند. حول اینها به توافق رسیدن تعیین کننده است بنابراین فراخوان من به فعالین و دست اندرکاران و رهبران عملی اعتراضات و

دست نمی آید مگر اینکه قبل از آن دست اندرکاران آن جنبشهای اعتراضی، آن بخشهای کارگری و بخشهای دیگر جامعه، با خودشان به یک هماهنگی رسیده باشند، به یک وحدت عملی رسیده باشند، حتی به یک بیانیه ها و یا فراخوانهای مشترکی رسیده باشند. بنابراین اولین شرط و پیش شرط مهم اینکه ما اعتصابات همزمان و نهایتا اعتصاب عمومی داشته باشیم این است که فعالین و دست اندرکاران جنبشها - که همانطور که گفتم الان شناخته شده هستند و فعال هستند و خودشان تاثیر زیادی دارند در شکستگی اعتصابات و اعتراضات - اینها اول به

است تا در مقابل مثلا شورشهای شهری و این هم یک نقطه قوت است که به اعتصابات در این شرایط اهمیت زیادی میدهد حسن صالحی: طبعا برای رسیدن به این نقطه که اعتصاب عمومی شکل بگیرد کار فعالین اجتماعی، فعالین کارگری، رهبران عملی اعتراضات اجتماعی و کارگری خیلی مهم است، خطاب به این بخش از جامعه که نقش کلیدی را دارند شما چه نکاتی را تاکید میکنید؟ حمید تقوایی: نکته اول اتحاد است، ببینید اعتصاب عمومی خودش یعنی اتحاد بخشهای مختلف جامعه در یک شیوه مبارزه و این به

از صفحه ۴ شهری داشته باشیم، باید نیروهای مسلح حکومت را خنثی کرد، همه اینها رخ میدهد ولی باز همه اینها بر متن یک جامعه ای که در اعتصاب است و در حال تظاهرات است میتواند کارایی پیدا کند. در کل میخواهم بگویم که اعتصابات سراسری در این مقطعی که ما صحبت میکنیم حلقه اصلی است در تقویت تظاهراتهای شهری و تقویت کل جنبش سرنگونی علیه جمهوری اسلامی و میتواند ضربه کاری باشد به حکومت. همانطوری که گفتم از نظر نیروی سرکوب و تاکتیکی که بخواهد مردم را به عقب بنشاند رژیم در مقابل اعتصابات بسیار ضعیفتر

چند سال گذشته خونین و سیاه است. سد کردن کشتار کولبران با اعتراضات کوبنده مردم شهرها در اشکال اعتصابات عمومی، تظاهرات و راهپیمایی ممکن و عملی است.

بودن امکانات پزشکی و دارویی برای کولبرانیکه مجروح و از کار افتاده شده هستند و دیگر خواستهای رفاهی را باید مورد تاکید قرار داد و برای آنها مبارزه کرد. پرونده جنایتهای حکومت اسلامی با کشتن نزدیک به هزار کولبر در

اقدامات جمعی در شهرها بزنیم. دادخواهی کولبران باید مورد حمایت وسیع کارگران، زنان آزادیخواه و مردم قرار گیرد. کشتار وحشیانه کولبران محکوم است و باید مورد تنفر و اعتراض مردم قرار گیرد. تامین معیشت، حقوق مکفی دوران بیکاری، رایگان

بخشی از پرونده ۴۰ سال جنایت جمهوری اسلامی کشتار کولبران است. صدها نفر از کارگران مرزی یعنی کولبران را کشته یا زخمی و معلول کرده است. در مقابل سیاستهای ضد انسانی رئیسی و کشتن کولبران باید دست به

از صفحه ۷ از طیفهای مختلف کارگران و جوانان برای تامین معیشت بخور و نمیر به کولبری، دست فروشی و در میان زنان بیکار به کارهای خدماتی با درآمدهای کمتر از نیم میلیون تومان در ماه روی میاورند.

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سردبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه
انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته (همه ها منتشر می شود)
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiiran
اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91
تلگرام: telegram.me/wpi_hkkl
وبسایت: www.wpiiran.org

اتحاد جنبش های اجتماعی علیه سرکوب گری های حکومت

شهلا دانشفر



گرفته است و امروز طلایه های آن را در اعتراض به دستگیری های حکومت شاهدیم.

برای مثال جمهوری اسلامی طی یک پرونده سازی رسوا و نخ نما بدنبال دستگیری دو فعال کارگری فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر شماری از معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی را تحت عنوان همکاری با دسیسه جاسوسی دستگیر کرد. این اقدام جمهوری اسلامی خانواده های معلمان بازداشتی، کارگران زندانی و دیگر افراد بازداشتی را عملاً به هم نزدیکتر کرد و بیش از پیش جنبش معلمان و جنبش کارگری را علیه زندان و شکنجه و پرونده سازی های کذابی امنیتی کنار هم قرار داد. نتیجه این به هم نزدیک شدن نامه مشترک خانواده های جعفر ابراهیمی، آیشا اسداللهی، رسول بدائی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهایی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، و مسعود نیکخواه علیه پرونده سازی های امنیتی و ادامه بازداشت ها بود. و در پوستراهایشان عکس همه این بازداشتی ها کنار هم آمده است. حمایت های بین المللی هم همه اینها را در بر میگیرد. این خود یک الگوی برای اتحاد جنبش های مختلف اجتماعی در اتحاد برای آزادی کسانی که بازداشت میشوند و کنار هم قرار گرفتن خانواده های آنهاست.

بوژه معلمان خود پشستاز به راه انداختن کارزاری اجتماعی علیه امنیتی کردن مبارزات و علیه دستگیریها و تبدیل محل دادگاه به صحنه اعتراضاتشان هستند. و اکنون کارگران و معلمان و بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه را در این کارزارها کنار هم می بینیم.

لیست وکلایی را می بینیم که بخاطر دفاع از آزادیخواهان و اعتراض علیه سرکوبگری ها نیز بازداشت و زندانی میشوند. جمهوری اسلامی با این دستگیریها و سرکوبگریها بطور واقعی جنبش های معینی را نشان کرده است. جنبش هایی که ستون های محکمی در فضای سیاسی جامعه و بطور واقعی یک رکن مهم جنبش سرنگونی هستند. جنبشهایی که در عرصه های مختلف مبارزه صدای اعتراض کل جامعه علیه حکومت سرمایه داری وحشی حاکم هستند و در حرکت رو به جلوی آنها این جنبش سرنگونی است که تعمیق بیشتری یافته و مضمون متعین تری پیدا میکنند. اعتراض به تبعیض و نابرابری، به اختلاسها و دزدی ها، به سرکوبگری های حکومت و جنایاتش و به حاکمیت بساط آپارتاید جنسی از جمله فصل مشترکهای این جنبش هاست. و ما این را در شعارها و گفتارهای مشترک در این جنبش ها، در بیانیه های مشترک آنها در مناسبت های مختلف، در اعلام حمایت کردن ها و پشتیبانی هایشان از خواستها و اعتراض یکدیگر و در مناسبت های مختلفی چون اول ماه مه ها، روز جهانی زن و در جریان اعتراضات مردمی در سطح جامعه به روشنی شاهد بوده ایم.

یک تاکید ما در این دوره بر اتحاد جنبش های اجتماعی بر سرخواستهای مشترک به عنوان یک حلقه مهم در حرکت جامعه بسوی اعتصابات سراسری و عمومی و پیشروی جنبش سرنگونی بوده است. یک گام مهم برای شکل دادن به این اتحاد، متحد شدن همه این جنبش ها علیه سرکوبگری های حکومت است. بطور واقعی نیز این اتحاد بدرجه زیادی شکل

جنبشهای اجتماعی در عرصه های مختلف مبارزاتی با قدرت گسترش می یابند و جلو میروند. اعتراضات معلمان، بازنشستگان، کارگران، مادران دادخواه، زنان و دختران معترض به قوانین اسلامی، و اعتراضات دیگر بخشهای مختلف مردم جنب و جوش گسترده ای را در جامعه دامن زده و به مشخصه غیرقابل انکار شرایط سیاسی و اجتماعی در ایران تبدیل شده است. این اعتراضات هر روز جریان دارند و علیرغم سرکوبها رو به گسترش می باشند.

در برابر این شرایط یک تلاش حکومت تشدید سرکوبگریها و بوژه بازداشت رهبران و اکتیویست های این جنبش هاست تا جلوی سازماندهی بیشتر آنها را بگیرد و بدرجه ای بتواند آنها را عقب بزند. از جمله ما با تشدید سرکوبگری ها و دستگیری های گسترده در میان معلمان روبرو بوده و هستیم. بازداشت بیش از ۳۰ کارگر معدن سونگون ورزقان، بازداشت شماری از بازنشستگان معترض در روز تجمعات سراسری آنها در ۲۵ تیر در تهران و اهواز، بازداشت یازده نفر از خانواده های دادخواه و ادامه فشار بر روی آنها، بازداشت نویسندگان و سینماگران، بازداشت زنانی که در برابر یورش جدید حکومت تحت عنوان روز و هفته حجاب و عفاف ایستادند و کارزار "حجاب بی حجاب" را به راه انداختند، نمونه های گسترده تری از سرکوبگری های حکومت است. بعلاوه هنوز شماری از بازداشت شدگان اعتراضات مردمی در آبادان بخاطر فاجعه انسانی مترویل و در کنار آن دیگر شهروندی که از این مردم حمایت و پشتیبانی کردند در زندانند. و نیز در این

متحد شد

وقتی به این جنبش ها و به این دستگیری نگاه میکنیم. اتحاد آنها علیه سرکوبگریها به روشنی مشهود است. تاکید من در این نوشته ساختار دادن به این اتحاد و تبدیل آن به یک گفتمان سراسری است. گام های اولیه برای ایجاد و ساختار دادن به چنین اتحادی از محکوم عبارت است از: محکوم کردن دستگیری ها در هر گوشه ای از جامعه که صورت میگیرد، اعلام حمایت و پشتیبانی از خانواده هایی که عزیزانشان دستگیر و زندانی میشوند و کمک رسانی به آنها در هر کجا که ضرورت می یابد، اعلام حمایت و پشتیبانی از خواستها و اعتراضاتی که این افراد بخاطرش دستگیر و زندانی میشوند، مطلع کردن جامعه از بازداشت ها و وضع دستگیرشدگان، جهانی کردن صدای بازداشتی ها و تمامی زندانیان سیاسی و پیوستن فعال به کارزارهای مبارزاتی ای که برای آزادی دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی برپا میشود. از جمله به کارزار قدرتمند معلمان برای آزادی همکارانشان که در این عرصه نیز آنها پیشتاز بوده و جنبش برای ادامه در صفحه ۷

باید وسیع به صف این اعتراضات پیوست و اتحادی سراسری علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی شکل داد. بعلاوه در فضای پر اعتراض جامعه این سرکوب گری ها بخش های بیشتری از جامعه را به جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی وصل میکند. از جمله دستگیری خانواده های دادخواه زندانیان سیاسی را هم به تحرک در آورد. بازداشت زانی که در کارزار حجاب بی حجاب حجاب از سر برگرفتند با موجی از اعتراض رو برو شد و وقتی نیروی انتظامی حکومت به کارگران معدن سونگون یورش برده و دهها نفر از بازداشت کرد بخش های مختلف کارگری با بیانیه هایشان این سرکوبگری های را محکوم کردند. بازداشت سینماگران و اعضای از کانون نویسندگان نیز به همین شکل. این ها همه زمینه ها و بستر یک اتحاد سراسری علیه سرکوبگری های حکومت را فراهم میکند و نکته مهم تبدیل این امر مهم به گفتامی فعال در سطح جامعه و برداشتن قدمهای عملی در این جهت است.

علیه سرکوبگریها باید

رئیی و راهکارهای اقتصادی در مناطق مرزی

نسان نودینیان



مورد حمله و شلیک قرار میگیرند.

در جمهوری اسلامی کولبران "قاچاقچی" خوانده میشوند و تحت عنوان "کار غیر قانونی" همواره تحت پیگرد قرار دارند. قبل از رئیی حسین ذوالفقاری معاون امنیتی - اجتماعی وزارت کشور جمهوری اسلامی در حاشیه نشست خبری ستاد اربعین، کولبران را قاچاقچی خطاب کرد و حکم تیر آنان را رسماً صادر کرد. او در این باره چنین گفت: "کوله برهایی که از مرز غیرمجاز عبور می کنند نامشان کوله بر نیست، قاچاقچی است و حتی اگر قاچاق هم نکنند تردد آنها غیرقانونی است و وارد حیظه مرزی شده اند.

در مناطق مرزی هیچ مماشاتی نداریم اگر کسی وارد خط مرزی شود، اول به او اخطار می شود و اگر ایست نکند بوی تیراندازی خواهد شد." رئیی و شورای عالی هماهنگی اقتصادی بار دیگر بر سیاست تردد غیر قانونی کولبران به عنوان قاچاقچی تاکید گذاشتند و بر اعمال جنایتکارانه و ضد انسانی نیروهای نظامی مهر تایید زدند.

آمارهای رسمی تعداد کولبران را ۸۰ تا ۱۷۰ هزار نفر اعلام کرده اند. بیش از هفت هزار خانواده در شهرهای مرزی کردستان وابسته به کولبری و کار در مرزها هستند. آنچه مسلم است، کولبری شغل

طرف مورد تاکید است، چندان دور از دسترس نیست.

با رونق گرفتن روابط تجاری و اقتصادی بین کردستان ایران و اقلیم کردستان عراق سرمایه گذاری های کلان رونق گرفت. تعدادی از سرمایه داران گرد با همکاری فرماندهان سپاه و عناصر حکومتی درآمدهای میلیونی و سودهای کلان بر بازار تجارت مرزها تسلط پیدا کرده اند. تجارت و درآمدهای میلیاردی هر سال پر رونق تر از سال گذشته بوده است.

آنچه در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی حکومتیان قابل توجه است، بحث مقابله با قاچاق است. مقابله حکومت اسلامی به منظور مبارزه با مافیای اقتصادی - تجاری در مرزها نیست، بلکه با هدف قانونی کردن شلیک به کولبران و باز نگهداشتن دست نیروهای امنیتی. مرزی و قانونی کردن کشتن کولبران است. در کردستان رونق تجارت رسمی و حکومتی با خون هزاران کارگر بیکار که به کولبری مشغولند رنگین شده است. در نزد حکومتگران اسلامی کولبر به عنوان شغلی غیرقانونی اسم برده می شود و کولبران را قاچاقچی خطاب می نامند، به همین دلیل توسط نیروهای نظامی

اخیرا رئیی در جلسه "شورای عالی هماهنگی اقتصادی" اهداف و راهکارهای ساماندهی تجارت مرزی را بررسی کرده و یکی از تصمیمات این جلسه "مقابله با قاچاق و سایر روشهای غیر قانونی کالاها در مناطق مرزی" اعلام شده است. این در واقع یعنی تاکید بر ادامه سیاست کشتار کولبران یعنی کارگران بیکار و بی تامینی که در مرزها به کولبری مشغولند و هر سال شمار زیادی از آنها توسط پاسداران کشته میشوند.

حکومت اسلامی در عراق با به قدرت رسیدن احزاب قومی - مذهبی از سال ۲۰۰۳ به موقعیت اقتصادی و نظامی جدیدی دست یافت. و به یکی از بازیگران اصلی در عرصه سیاست و تقویت تروریسم اسلامی و اسلام سیاسی رسید. در عرصه اقتصادی در مرزها بیشترین سرمایه گذاری تجاری را با همکاری سپاه پاسداران و کاربدستان حکومتی ساماندهی کرد. سال گذشته سرپرست سازمان صنعت، معدن و تجارت کردستان گفت: ارزش مبادلات تجارت خارجی استان طی سال گذشته هفت میلیارد و ۸۱۵ میلیون دلار بوده است. در سطح ماکرو هدف گذاری تجارت ۲۰ میلیارد دلاری که از سوی مقامات دولتی دو

بناچار به کولبری مشغول هستند طیف متنوعی از کارگران بیکار و جوانان را شامل میشوند. کارگران فصلی که از کردستان به مراکز صنعتی و مراکز پروژه های ساختمانی در مناطق جنوبی و شرق در ایران مهاجرت کرده اند، زباندند. در گذشته تعداد کارگران مهاجر یا فصلی در کردستان ارقام چند هزار نفری را شامل میشد. اما در شرایط کنونی که بیشتر مراکز تولیدی و شرکتهای پروژه ای و ساختمان سازی و امثال اینها تعطیل شده، از شمار کارگران مهاجر نیز به حد قابل مشاهده ای کاسته شده است. از دیگر سو در میان جوانان زن و مرد تحصیل کرده و جوانانی که وارد بازار کار شده اند، میزان بیکاری ارقامی سرسام آوری پیدا کرده است. این بیکاران از بیمه بیکاری و تامین اقتصادی به هیچ شکلی برخوردار نیستند. در متن چنین ابعاد فاجعه باری از بیکاری تعداد زیادی ادامه در صفحه ۵

نیست و کولبر هم قاچاقچی نیست؛ چرا که شرایط موجود، آنان را وادار به تردد در مسیرهای خطرناک مرزی کرده است؛ وگرنه هیچ انسانی از سر رضایت، سختی های این مسیر را که ممکن است در طول آن دچار نقص عضو، از کارافتادگی و یا حتی مرگ شود، به جان نمی خورد.

هر سال تعداد زیادی از کولبران با شلیک مستقیم و تیراندازی نیروهای نظامی و مرزی کشته میشوند. در جمهوری اسلامی کولبران "قاچاقچی" خوانده میشوند و تحت عنوان "کار غیر قانونی" همواره تحت پیگرد قرار دارند. مساله اصلی اینست که در کردستان بیکاری بیداد میکند، فقر و تنگدستی در چهره شهرها نمایان است. و بیکاران هیچ تامینی برای امرار معاش ندارند. کولبری و بیکاری و بی تامینی در واقع تبعات سیاستهای نظام وحشی سرمایه حاکم در جمهوری اسلامی است. کسانیکه

اینها بها دادن به امر اتحاد جنبش های اجتماعی علیه سرکوبگریها و تبدیل آن به ذهنیت همه جامعه است. و این دست فعالین رادیکال و پر نفوذ این جنبش های را می بوسد که در این راستا تلاش کند.

پرونده امنیتی زندان و گرفتن چماق زندان بر سر اوست و باید با آن جمعی مقابله کرد و باید این گفتمان را در مدیای اجتماعی و در همه جا وسعت داد. اما حلقه کلیدی برای جلو بردن همه

فراخوانهای سراسری برای آزادی همه زندانیان سیاسی به پیش برد. یک گفتمان مهم این اتحاد باید ممنوع شدن گرفتن وثیقه از زندانی برای آزادی آنها باشد. وثیقه ادامه سرکوب و راهی برای بازنگهداشتن

دشمنیابی از آنها، به شکل گذاشتن قراردادهای مشترک و جمع شدن در مقابل زندانها برای کسب خبر از وضع پازداشت شدگان و فشار آوردن برای آزادی آنها، و بالاخره فراهم کردن شرایط برای رفتن بسوی

از صفحه ۶
آزادی زندانیان سیاسی را گام مهمی به جلو برده اند.
همه این کارها را میتوان بصورت بیانیه دادن های مستقل و جمعی، سر زدن به خانواده های زندانیان سیاسی و حمایت و

سرنگون باد جمهوری اسلامی!



احتضار جمهوری اسلامی و خدای سال شصتیش

مهران محبی

خامنه ای و حکومتش بعد از چهل و سه سال آدمکشی و جنایت علیه مردم ایران و همچنین علیه مردم در فلسطین، عراق، سوریه و یمن و هر نقطه ای دیگر در جهان توسط باندهای تروریستش، امروز در برابر عزم مردم آماده سرنگونی به بن بست رسیده است. بعلاوه در سطح جهانی نیز مورد نفرت مردم متمدن و آزادیخواه جهان قرار دارد. حکومتی که از سی خرداد شصت با تمام توان و با بکارگیری کل ظرفیت های ددمنشانه و آدمکشی دستگاه های خونریزش، با فعال سازی همه جانبه دستگاه مذهب و خرافه و با اختراع موهومات و تبلیغ و ترویج فرهنگ شهادت طلبی حسینی و با فتوای ریختن خون کافرین و مخالفان حسین، برای حمله به انقلاب کشتار هزاران نفر از انسانهای آزادیخواه و مساوات طلب و چپ و کمونیست را شروع کرد، حالا قلابه بر گردنش نهاده شده است. این حکومت و خدایش همان حکومتی است که برای سرکوب انقلاب پنجاه و هفت از طرف دولتهای غربی و به پشتوانه های مادی و معنوی آنان مأموریت یافت، اما امروز مردم همان مردم سال های پیش با همان سطح از درک و آگاهی سیاسی نیستند. در آن مقطع متوهم بودن بخش عظیمی از مردم به خرافه و مذهب، یک واقعیت در فضای باورها و افکار جامعه بود. یک دلیل روشنش حاکمیت گورستان خفقان آریامهری و محروم بودن مردم از دسترسی به هر نوع امکانات روشنگرانه از قبیل روزنامه و نشریه و حق تشکل و تحزب است. اما از سر هر کوچه و محله، مناره های مساجد نمایان

بودند و مدام صدای روضه، اذان و تبلیغ خرافات در هر وقت و بی وقتی از ساعت چهار صبح تا آخرهای شب از بلندگوها پخش میشد. در نتیجه نبود حزبی مثل حزب کمونیست کارگری که چشم انداز روشنی مقابل مردم قرار دهد یک فاکتور مهم در به شکست رساندن انقلاب مردم بود. در نتیجه طبیعی بود که گوش مردم برای شنیدن خرافات مهیاتر باشد و اذهانشان با مقاومت کمتری پذیرای آن باشند. حکومت مذهبی تازه به قدرت رسیده، با کشتار و به خون کشاندن جامعه و از طریق توجیه جنایاتش با توسل به احکام خدا و قرآن و سؤاستفاده از رسوبات مذهبی در پس زمینه اذهان مردم انقلاب را شکست داد. سران حکومت و آخوندهایش از خمینی گرفته تا روضه خوانان رده پایین، شکنجه گران و پاسداران آدمکش را با وعده به بهشت رفتن و محشور شدن با حسین ترغیب و ترویج به شکنجه و تجاوز به زندانیان می کردند و ثواب شکنجه و تجاوز به زندانیان را معادل ثواب به جا آوردن فریضه نماز و زیارت کعبه و کربلا قرار می دادند.

حکومت جانپان برای شکست انقلاب و استقرار خودش فقط به کشتار جوانان و آزادیخواهان بسنده نکرد. این رژیم جنایتکار باید میدان وسیع تری برای کشتار جوانان و خون پاشیدن به جامعه مهیا می ساخت و به همین خاطر جنگ با عراق را شروع کرد. حاصل هشت سال جنگ برای مردم، کشته و معلول شدن یک میلیون انسان در جبهه های جنگ و ویرانی شهرها و آوارگی میلیونها شهروند

بود. اما برای حکومت به گفته خمینی، برکت و یک مانده آسمانی بود زیرا توانست به بهانه جنگ هر اعتراضی در جامعه را به دشمن و ستون پنجم ربط دهد و سرکوب کند و در نتیجه پایه های خود را مستحکم نماید.

اما حکومتی که مدام بر طبل جنگ تا پیروزی کامل و آزادسازی قدس از طریق کربلا می کوبید، بعد از هشت سال شکست را پذیرفت و خمینی ناچار به نوشیدن جام زهر شد. آن جام زهر را نه دولت مرتجع عراق، بلکه جوانان عاصی از جنگ با پشت کردن به حکومت و خدا و خرافات و موهومات وعده داده شده بعد از شهادت به خمینی خوراندند.

فرار گسترده سربازان از جبهه ها، پادگانها و آموزشگاهها که متوجه خیالی بودن وعده های قرآن و آخوندها شده بودند و زندگی در دنیای واقعی را به بهشت موهوم سرسبز با حوریان و نهرهای جاری شراب ناب ترجیح می دادند و نمی خواستند قربانی خدائی شوند که برای بقاء موهومش باید خون انسانها ریخته شود، خاتمه جنگ را به حکومت تحمیل کرد.

این گونه بود که یال و کویال جمهوری اسلامی و خدای سال شصتیش شروع به ریزش کرد. حکومت اگرچه بلافاصله بعد از پایان جنگ در تابستان شصت و هفت برای جبران شکستش در جنگ با عراق و ممانعت از بروز اعتراضات مردم آسیب دیده از جنگ، آخرین ددمنشی گسترده خود را با کشتار وسیع زندانیان سیاسی رقم زد، اما نه از نظر انسجام درونی خود و نه از نظر توان مقابله با جامعه نتوانست به شرایط اوایل جنگ و مخصوصا

سال شصت برگردد.

گرفتاریهای اساسی جمهوری اسلامی بعد از پایان جنگ که خمینی و دیگر سرانش مدام بر طبل ادامه آن می کوبیدند و آن را مانده آسمانی می دانستند، در رویارویی با مردمی شروع شد که تا قبل از آن به بهانه جنگ مجال هیچ گونه اعتراضی را نیافته بودند.

خیزشهای شهری و اعتصابات کارگری که از دهه هفتاد شروع شدند با وجود اشتیاق شدید حکومت به درنده خوئی و کشتار معترضین، مدام قلابه حکومت را محکمتر و تنگتر کردند. در مدت بیش از سی سال گذشته این جمهوری اسلامی بوده که علی رغم روضه خوانیها و فتوای خامنه ای و عربده کثی های سران سپاه و دیگر دستگاههای سرکوبگر و خونریزش علیه مردم، همواره رو به سه کنج هل داده شده و عرصه را بر خود تنگتر دیده است.

برای خامنه ای و بقیه سران آدمکش حکومت که خود را در گرفتاری و محاصره غیرقابل برون رفت می بینند و نظاره گر روحیه باختگی اعوان و انصار خود می باشند، چاره ای جز رجزخوانی و گرز چرخانی در کوچه خالی نمانده است. صدور فتواها و حملات بی رحمانه تریه مردم که از آن جمله آتش به اختیار گذاشتن آدمکشانش در سال نود و شش و فرمان کشتار وسیع به سیاق سال شصت با یادآوری اینکه خدای امروز همان خدای سال شصت است، توسط

خامنه ای، نمونه هایی از همان روضه خوانی ها و فتوای بیهوده هستند.

تلاش های حکومتی فقط به صدور فرامین و فتاوی خامنه ای محدود نمی شود. بلکه سران و فرماندهان درمانده سپاه نیز برای روحیه دادن به نیروهای به هم ریخته و روحیه باخته در مقابل مردم عزم جزم کرده برای جوار کردن حکومت و کل دم و دستگاه های سرکوبش، عربده می کشند و رجز می خوانند. آخرین مورد از رجزخوانی های سران سپاه علیه مردم، مربوط به نمایندگی جدید خامنه ای در سپاه است که گفته است باید نیروهایی را تربیت کنیم که بدون ترس دست به ماشه تفنگ بزنند!

با نگاه به ظواهر حال خامنه ای و سران حکومت و سرداران و گماشتگانش در سپاه و گوش دادن به عربده کثی هایشان می توان به آخر خط رسیدگی و درماندگی قطعی کل حکومت را دریافت.

حکومتی که با تمام توان مادی خود و با بکارگیری مذهب و دستگاه توهم سازی و خرافه پراکنی قصد ساختن جامعه ای را داشت که با سرمشق گرفتن از حسین و فاطمه تسلیم موهومات شوند و از لذات زندگی واقعی تبری جویند تا بر متن آن پایه های خود را مستحکم و بساط غارت سرمایه های اجتماعی را همچنان گسترده نگهدارد، حالا هر روز شاهد لگدمال شدن مقدسات خود و لگد خوردن عبا و عمامه های آخوندها و چادرو

ادامه در صفحه ۹

در چنبره اعتراضات هر روزه در سطح جامعه گرفتار شده است. دستورات امروز خامنه ای و عریبه های گماشتگانش بیشتر به نعره های سوزناکی شبیه هستند که حکایت از احتضار حکومت دارند و نه خدای شصت، و نه هیچ خدای دیگری که نجاتی برایش نیست.

اقدام به رقص و شادی می کنند و مزدوران ریشو و چاقچور به سر را ناچار به خواندن نماز وحشت می کنند. این چنین است که حکومت حسابی وحشت کرده است.

فضای سیاسی و رویارویی امروز جامعه با حکومت، بیانگر به میدان آمدن قدرتمندانه مردم و در آستانه سرنگونی قرار گرفتن حکومت است که

امروز، ننگ ما، ننگ ما، دولت الدنگ ما، حسین، حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون در چندین شهر دست به تجمع و تظاهرات زنند و به این طریق حکومت و خرافه و مذهب و خدا را که در هیبت آخوند متصور می گردد، مورد نفرت و بازخواست قرار ندهند. دختران نوجوان علنا بدون روسری و حجاب دستجمعی در خیابانها

آنها را به آتش کشیده اند. حتی یک روز نیست که مردم در اعتراض به حکومت به بهانه های مختلف در خیابان ها دست به اعتراض زنند و کل حکومت و مقدساتش را به عنوان عامل اصلی مصائب خود مورد حمله قرار ندهند. روزی نیست که بازنشستگان با شعار های عزاء، عزای امروز، روز عزاست امروز، حقوق بازنشسته زیر عباس

از صفحه ۸
چاقچورهای خواهر زینبهایش توسط زنان و مردان عاصی از مذهب و ضد حجاب است. این حکومت بارها در مقابل خیزشهای میلیونی مردم قرار گرفته است که با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی به مساجد و تکایا و حوزه های علمیه و هر مرکز ترویج خرافه و مذهب حمله کرده اند و

پایان حکومت و خودیهای "مغضوب" و پشیمان

هادی وقفی

گرفتار غضب همان دم و دستگاهی شده اند که خودشان در پایه گذاری اش نقش اساسی داشتند.

امروز اما، جانپان و تبهکاران اسلامی گام به گام دارند تمام مشروعیت خود را در میان هنرمندان و بازیگران و سینماگران و ورزشکارانی که چهل و سه سال در مقابل اعدام ها و کشتارها و تحمیل تحقیرها و بی حقوقی های این دزدان و تبهکاران سکوت کرده اند هم، از دست می دهند! فوتبالیست های همچون "علی دایی" از همین دسته اند که دارند اعتراف می کنند و مورد خشم و غضب حکومت قرار می گیرند. "علی دایی" جزو آن دسته از بازیکنان با سابقه فوتبال ایران است که این روزها در نشریات و رسانه های مجازی تلاش دارد جدایی خود از حکومت و نزدیکی اش به مردم را اعلام کند. او در مصاحبه ای با "عادل فردوسی پور، خبرنگار و مجری ورزشی جنجالی صدا و سیما، در واقع، آگاهانه یا ناآگاهانه، با اشاره غیرمستقیم به خامنه ای و تمام رییس جمهوران و وزیران و مقامات آن حکومت، می گوید "...

متأسفانه هر کس در صندلی ای نشسته که شایستگی اش را ندارد. این ادامه در صفحه ۱۰

امنیت اخلاقی گرد هم آمدند تا از جیب کارگران، بازنشستگان و معلمان بدزدند و برای دفاع از این "خاکریز اول" جنگ با توده زنان و مردم عاصی و معترض و خشمگین و فقر و محنت زده، هر آنچه از تحقیر و زندان و خشونت و سرکوب در ظرفیت شان است را عیان کنند. دم و دستگاه سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی البته در ادامه موج تازه دستگیری هایش بسراغ خودی های خودش هم رفت و "مصطفی تاجزاده"، معاون امنیتی وزارت کشور در دوره خاتمی را هم به جرم "نشر اکاذیب" به زندان انداخت.

"مصطفی تاجزاده" همراه با خیل روزنامه نگاران و روشنفکران اسلامی و واقع عقبه فکری جناح اصلاح طلب و خواستار حفظ این بساط ننگین و نکبت بار و ننگ تاریخ و بشریت، سالها برای این نظام عمر خریدند و با ادا و اطوارهای روشنفکرانه خود و با ترویج مزخرفات اسلامی، تلاش کردند نسلی سوخته، ناآگاه و امیدوار به اصلاح بساط فقر، بیحقوقی، جنایت و دزدی اسلامی ببار آورند و با اینهمه، به بن بست رسیدند! سیاست هایشان به بن بست رسید و امروز،

نابرابری جنسیتی در آن مملکت و یعنی به سخره گرفتن همه روزه جمهوری اسلامی و مقاماتش با تمام قوانین شرعی و ضدانسان شان. جنبش زنان البته به تقلائی ذیبنانه ی عفاف و حجاب حکومت پاسخ درخوری نشان داد و ضمن نامگذاری روز ۲۱ تیر بعنوان روز "حجاب پی حجاب" با برداشتن روسری ها به استقبال آن روز رفت و ده ها تن از فعالین آن ضمن بیانیه ای اعلام داشتند که "نامگذاری روز ۲۱ تیر بعنوان روز حجاب و عفاف، بهانه ای برای نشانه گذاری جدید سرکوب بیشتر مردم و بطور خاص زنان است". امضا کنندگان این بیانیه که

ده ها تن از فعالین مدنی و فعالین جنبش زنان را شامل می شدند، تعیین روز ۲۱ تیر بعنوان روز حجاب و عفاف را، بعد از بیشتر از چهار دهه حکومتی قوانین مذهبی، "شکست آشکار تجربه حجاب اجباری" خواندند!

به همین دلایل است که مقامات عقب مانده و جیره خوار رژیم از این خواست و مطالبه اساسی جامعه با عنوان "خاکریز اول جنگ نرم" یاد کردند! و تمام خیل مقامات و آئمه جمعه و سپاه و بسیج و گشت ارشاد و پلیس

خانواده های داغ دیده و رنج دیده دادخواه، "محبوبه رضایی" مادر "پژمان قلی پور"، از جوانان کشته شده آبان ۸۸ را به زندان و صد ضربه شلاق محکوم نمود! و در ادامه هم، مذبحخانه و وحشت زده، با اعلام روز ۲۱ تیر بعنوان باصطلاح روز "حجاب و عفاف"، سعی کرد همان سیاست های شکست خورده و به بن بست رسیده اش را در جهت ادامه سرکوب زنان به پیش ببرد و بخیال خود در این آخرین روزهای حیات ننگین و نکبت بار و مملو از جنایت اش، زنان و کل جامعه خشمگین از وضعیت فقر و محرومیت و بدبختی کنونی را مرعوب نماید.

تمام باصطلاح مقامات ریز و درشت این نظام می دانند که خواست بی حجابی و آزادی انتخاب پوشش و به مصاف طلبیدن قوانین اسلامی بمانابه پاشنه آشیل حکومت و ناقوس مرگ جمهوری اسلامی است. یعنی اینکه نسل جوان ایران دیگر ذره ای برای این مهملات و مزخرفات مذهبی و ضدانسانی این از گوربرخاستگان تاریخ تره خورد نمی کند. و این یعنی حمله همه جانبه ای از سوی جوانان و زنان به قوانین اعدام و قصاص و

طی دو هفته، رژیم اسلامی در آخرین تقلاها پیش برای جنگ آشکار و رو در رو با توده مردم معترض و بیجان آمده، تلاش کرد از چند جهت به این خیزش عظیم اجتماعی که دیگر به چیزی کمتر از سرنگونی این نظام رضایت نمی دهد، حمله ور شود و در واقع، باید گفت هرچه توده مردم معترض و خشمگین از وضعیت موجود، پرتوان تر، آگاهانه تر، سازمان یافته تر و مصمم تر، برای تعیین تکلیف نهایی با این ساختار جهل و کشتار و غارت و دزدی اسلامی آماده می شوند، دیکتاتور مفلوک، درمانده و وحشت زده نظام اسلامی هم، درنده ترو مستأصل تر به در و دیوار چنگ می زند و گله اوباش جیره خوار و مزدور و سرکوبگرش را بجان توده مردم معترض و همه چیز از دست داده می اندازد. حکومت اسلامی در دوره ی جدید لشکرکشی و تهاجم خود به مردم، ابتدا به دستگیری های گسترده از میان بازنشستگان و سینماگران و فعالین مدنی و در آخرین مورد تعدادی از خانواده ها و مادران و پدران دادخواه و داغدار که جوانان بی گناه و معترض شان را با شلیک مستقیم حکومت در خیابان ها و یا در سیاهچالهای شکنجه رژیم از دست داده بودند، روی آورد و بمنظور ارباب

از صفحه ۹ آقایان کاری برای مردم نکرده اند و ... یارانه به مردم می دهند من خجالت می کشم. این بی احترامی به مردم است... من در گذشته یکی دو تا افطاری هم که رفته ام، پشیمانم و اگر امروز بود هرگز آنها را هم نمی رفتم!"

علی دایی، در مصاحبه دیگری در حاشیه "جشنواره فوتبالی جزیره کیش" از رد درخواست مربیگری تیم ملی فوتبال خبر می دهد و اینکه "... من جایگاه اجتماعی خودم را با هیچ چیزی عوض نمی کنم. من هم عقایدی برای خودم در زندگی دارم. الان "زمان مناسب"ی برای قبول مربیگری تیم ملی نبود!"

او و بسیاری دیگر از ورزشکاران و هنرمندان آن سرزمین البته به این نتیجه رسیده اند که برای نظام اسلامی، زمان به پایان رسیده است و تا دیر نشده باید صف خود را از حکومت جدا کنند! علی دایی هم بدرستی به این نتیجه رسیده است که در این شرایط انفجاری جامعه ایران، نمی تواند چند ماه مانده به جام جهانی تیمی بی بهره از بازی های تدارکاتی و گرفتار در زنجیره مافیای دزدی که بدلیل گردنگشی های بین المللی

حکومت اساسا امکان حضور و اخذ ویزا برای بازی در برخی کشورها را نداشته است، به موفقیتی برساند و اینکه نمی تواند پاسخگوی تبعات اجتماعی "باختی از پیش تعیین شده" باشد!

باید گفت این باصلاح سلبریتی ها در بیشتر از چهار سال گذشته، کلمه ای و جمله ای در دفاع از کارگران و زحمتکشان و زنان آن سرزمین بر زبان نیاوردند. هیچگاه از موقعیت و باصلاح محبوبیت اجتماعی شان استفاده نکردند و هرگز در محکومیت اعدام و قصاص و قوانین شرعی جمهوری اسلامی که بیشتر از چهار سال است زندگی مردم را بر باد داده، سخنی بر زبان نیاوردند و به دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران و معلمان و بازنشستگان زندانی برنخاستند اساسا به این دلیل که رژیم جهل و جنایت مذهبی، نسلی از خودباختگان و ازخود بیگانه شدگان و ناآگاهان را بعنوان قهرمان ورزشی و هنرمند به مردم حقنه کرد و از آنطرف ساز و کار دزدی و آدمکشی و زندان و شکنجه اش هم هر روز کار کرد! و نه تنها این، بلکه باصلاح قهرمان ها و ورزشکارانش هم همچون علی دایی، پس از هر

موفقیت و پیروزی، دستشان را به درگاه خداوند و حضرت زهرا ی شان بلند کردند و شکرگزاری کردند و باصلاح موفقیت خودشان را بحساب الطاف حضرت زهرا و خداوند گذاشتند و به این معنا از رهگذر حاکمیت دزدسالار نظام اسلامی برای خود ثروت اندوزی کردند و در ترویج مزخرفات مذهبی و خرافات در آن جامعه و در میان جوانان نقش ایفا کردند. و امروز دارند یکی از قطار رو به سقوط رژیم اسلامی پیاده می شوند اساسا به این دلیل که دارند احساس می کنند در شرایط جدیدی که بوجود آمده است، جمهوری فقر، دزدی و اعدام و کشتار و بی حرمتی و بی حقوقی هر روزه، راه فراری ندارد!

به این دلیل که اینها هم همچون بسیاری از اصلاح طلبان و رفرمیست های اسلامی، هرچند دیر هنگام، اما بالاخره به این نتیجه رسیده اند که باید صف خود را از این عقب رفتگی و جهل و جنایت مذهبی جدا کنند و این مخلصه ای است که جمهوری اسلامی در آن گرفتار آمده است.

دیگر باصلاح سلبریتی های آن جامعه هم به این نتیجه رسیده اند که این ساز و کار اسلامی رفتنی است و سیاست های مذهبی و ضدانسانی این ابوجاسم که دارای مشکل کبدی و پیوند کبد است بدلیل پایمال شدن حقش توسط دولت هرروز از بستر بیماری و تختخواب بلند شده خود را به تجمع میرساند

در اراک و کرمانشاه بازنشستگان با کف زدن و با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" برادامه اعتراضات خود تاکید کردند. اعتراضات بازنشستگان هر روزه است و آنها با شعارهای اعتراضی شان کل حاکمیت و توحش و بردگی حاکم را به چالش میکشند. روز گذشته ۲۵ تیر روز اعتراض سراسری آنها بود که در ۲۱ شهر

حکومت دیگر جوابگوی ادامه حکمرانی اش نیست و امروز، دیگر شیرازه اداره جامعه از دست این جانپان در رفته است و به دستگیری های گسترده و دیوانگی و هذیان گویی روی آورده اند. به این دلیل که بیشتر از چهار دهه تحقیر و سرکوب و بی حقوق نگاه داشتن زنان و کل جامعه، دستاوردی جز شکست و درماندگی و سیه روزی و بن بست برای این حاکمان دزد و مفتخور مذهبی در بر نداشته است. اساسا به این دلیل که این ساز و کار اسلامی از همان ابتدای روی کار آمدنش سر ناسازگاری با مردم و حقوق انسانی داشت. به این دلیل که مردم هرگز در مقابل این اژگوربرخاستگان سر تمکین فرود نیاوردند. به این سبب که این ساز و کار سرمایه داری عقب مانده و مذهبی با هر آنچه رنگ و بویی از زندگی و انسانیت داشت، متضاد بود و در نتیجه راه حلی جز سرکوب و کشتار و اعدام و بگیر و ببند و شکنجه در دستور کارش نبود.

این مبارزه هر روزه مردم، جوانان و زنان ایران بوده است که این عقب نشینی ها را تحمل کرده است. این همه دست و پا زدن ها و شاخ و شانه کشیدن ها و هذیان گویی

تجمعات بزرگ و باشکوه بازنشستگان برپا گردید. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم علیه برنامه ریاضت اقتصادی رئیس و فقر و بی تأمینی و سونامی گرانی هستند. لغو مصوبه افزایش محدود و ده درصدی حقوقها و بالابردن سطح مستمری ها به بالای خط فقر خواست فوری آنهاست و در بنهایشان بر افزایش حقوقها به بالای هجده میلیون تاکید کرده اند. درمان رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و پرداخت دیون چهارصد هزار میلیارد تومانی دولت

های رژیم اسلامی و خیل دستگیری ها و اعدام و سرکوب و تحقیر هر روزه حکومت، در واقع، به این دلیل است که خامنه ای و تک تک مقامات این باصلاح ساختار سیاسی که سر در آخور نظام اسلامی دارند، می دانند که یک ذره عقب نشینی حکومت در هر موردی، دودمانش را بر باد خواهد داد! این همان واقعیتی است که "محمد مخبر" معاون ریسی بر آن صحنه گذاشته و گفته است "اگر به خواست بازنشستگان تن بدهیم، دیگران هم مدعی می شوند!"

مردم، کارگران و بازنشستگان و زنان و جوانان ایران با مبارزه هر روزه شان بر علیه قوانین پوسیده و عصر حجری این حکومت ضد زن و ضد انسان، هر روز در طول سال های گذشته، خاکیهای ارتجاعی این حکومت را روز بروز عقب رانده و جمهوری اسلامی را در چنین تناقضی و در گوشه ای از تاریخ گیر انداخته اند. این همه وحشت و سرکوب و بگیر و ببند و پرونده سازی، ترس از سایه ی خود و نشانه های به پایان رسیدن حکومتی فروپاشیده، از هم گسیخته و درمانده است که دیگر فقط باید روزهای پایش را بشمارد!

به صندوق بازنشستگی، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از دیگر خواستها و مطالبات آنهاست. حضور خانواده ها در تجمع روز گذشته بازنشستگان در شوش الگویی برای گسترش و تقویت بیشتر این اعتراضات بود. از خواستها و تجمعات اعتراضی بازنشستگان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ تیر ۱۴۰۱، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲

۲۶ تیر: ادامه اعتراضات بازنشستگان در سه شهر شوش، اراک و کرمانشاه

تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه

روز ۲۶ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش، اراک و کرمانشاه در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری ها، عدم اجرای کامل همسان سازی و عدم پاسخگویی به دیگر مطالبات شان مجدداً دست به تجمع زدند.

در شوش حدود پانصد نفری از بازنشستگان در این روز جمع بودند و شعار میدادند: "توب، تانک، فشفشه قالیباف باید گم بشه"، "ننگ ما، ننگ ما، مخبر الدنگ ما". بازنشستگان در این تجمع با سردادن سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، وای از این بردگی، وای از این بردگی مثل روزهای قبل اعتراض خود را به این بساط توحش و بردگی اعلام کردند. اعتراضات کارگران بازنشسته شوش هر روزه است و از جمله کارگری چون محمد فتلاوی

گزارش شبنم آشوری از وضعیت واله زمانی کارگر زندانی

جمهوری اسلامی است.

شبنم آشوری در مورد واله زمانی مینویسد:

"واله زمانی کارگر ساختمانی، نقاش و فعال کارگری، سالها در بخش‌های مختلف فعالیت داشته است. چندین سال کار در عسلویه و مناطق نفتی که با توجه به فقدان ایمنی در محیط کار آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سلامت وی وارد کرده و در عین حال تلاشی مداوم برای ایجاد تشکل کارگری و احقاق حقوق کارگران به‌منظور افزایش رفاه، امنیت شغلی، افزایش قدرت چانه‌زنی، کاهش ساعت کار، افزایش دستمزد متناسب با میزان تورم و خلاصه ارتقای زندگی کارگران به سطحی در شان انسان. در طول این سالها واله زمانی در حالی که برای معیشت خود در مناطق مختلف کار کرده است، دغدغه‌ی اجتماعی و انسانی خود را نیز دنبال کرده است.

او در این سالها به‌طور دائمی از جانب کارفرما و نهادهای امنیتی مورد آزار و اذیت و محدودیت و بازداشت قرار داشته، چندین بار اخراج از کار، عدم پرداخت کامل مطالبات مزدی، دستگیری و بازداشت‌های طولانی مدت پاسخ دولت‌ها و کارفرمایان به فعالیت‌های کارگری واله زمانی بوده است. در چند ماه اخیر وی به‌واسطه‌ی آلودگی محیط‌های کاری دچار بیماری‌های تنفسی و ریوی شده و ماه‌ها درگیر عمل جراحی و بازپایی سلامت جسمانی خود بوده است. در ایام منتهی به روز کارگر وی که در راستای پیگیری مطالبات و

مسعود نیکخواه، رسول بداتی و اسکندر لطفی و دو نفر از اعضای سندیکای شرکت واحد به اسامی رضا شهبانی و حسن سعیدی و سه فعال اجتماعی به اسامی آنبیسا اسداللهی، کیوان مهتدی و ریحانه انصاری نژاد بازداشت شده اند. و گفته میشود شما ر دیگری از فعالین کارگری نیز در همین رابطه تحت پیگرد بوده اند. اکنون همه این بازداشت شدگان نزدیک به دو ماه است در زندانند آنها ممنوع الملاقات و مرتباً تحت بازجویی های فشرده و آزار و شکنجه قرار دارند. از آنها خواسته شده است که به اتهام مسخره "همکاری با دسیسه جاسوسی و دیگر اتهاماتی که به آنها وارد شده اعتراف کنند و این بازداشت شدگان در اعتراض به ادامه بازداشت ها به اشکال مختلف و با اعتصاب غذا دست به اعتراض زدند.

در شرایطی که جنبش معلمان به یک سنگرم مهم جنبش کارگری تبدیل شده و جنبش کارگری با قدرت در جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار گرفته است جمهوری اسلامی با تشدید سرکوبگریها و سناریوسازیهای رسوا، تلاش دارد با آن مقابله کند. اما کارزار سراسری در اعتراض به این سرکوبگری ها و انعکاس جهانی آن تا همین جا هزینه سنگینی برای حکومت اسلامی داشته است. اتحاد جنبش های مبارزاتی در برابر سرکوبگریهای حکومت اسلامی و برپایی کارزاری مشترک و سراسری برای آزادی همه معلمان زندانی، کارگران بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی یک گام مهم برای بازکردن در زندانها و جنبش سرنگونی

واله زمانی یکی از کارگرانی است که در ماجرای پرونده سازی رسوای حکومتی بدنبال بازداشت دو فعال کارگری فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر، در نهم خرداد ماه با اتهام مسخره همکاری با دسیسه جاسوسی و اتهامات امنیتی دیگر از این دست بازداشت شد. واله زمانی در حال دستگیر شد که بدلیل بیماری حاد کبدی و گوارشی و تنفسی تحت درمان بود و بازداشت او و نگاهداشتن وی در چنین شرایط برای وی خطر جانی دارد و این را برادر وی صابر زمانی و مادر وی فریده محمدی طی پیامهایی که داده اند، هشدار داده اند.

اکنون شبنم آشوری از فعالین اجتماعی در مورد ماجرای فعالیت ها و مبارزات واله زمانی و علت دستگیری اش و اتهاماتی که به او زده شده در مدیای اجتماعی گزارشی میدهد که روشنگر است. او از وضع بد جسمانی واله زمانی و خطر ادامه بازداشت وی مینویسد. از جمله او در انتهای نوشته خود مینویسد: "در پایان لازم می‌دانم به این موضوع اشاره کنم که با توجه به بیماری‌های متعدد واله زمانی و عدم دسترسی به پزشک و خدمات درمانی مناسب، جان این فعال کارگری به خطر افتاده است و مسئولیت آن تماماً با نهادهای امنیتی و قضایی است. واله زمانی و تمامی فعالین صنفی و اجتماعی، باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند." (گزارش شبنم آشوری ضمیمه است.)

گفتنی است که همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم در این پرونده سازی ها ۴ نفر از معلمان به اسامی شعبان محمدی



کارگری به خطر افتاده است و مسئولیت آن تماماً با نهادهای امنیتی و قضایی است. واله زمانی و تمامی فعالین صنفی و اجتماعی، باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند." (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همصدا با شبنم آشوری و خانم فریده محمدی مادر واله زمانی و برادرش واله صابر زمانی، از ادامه بازداشت واله زمانی ابراز نگرانی کرده و جان این فعال کارگری مسئول میدانند. واله زمانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و تحت درمان قرار گیرد. تمامی دستگیر شدگان این پرونده از جمله دو فعال کارگری فرانسوی ژاک پاری و سیسل کولر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و پرونده سازیهای جعلی و مسخره علیه آنها باطل اعلام گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (Free Them Now)
۱۱ تیر ۱۴۰۱ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۲

Shahla.daneshfar2@gmail.com
<https://free-them-now.com/>

خواسته‌های کارگران با سایر فعالین کارگری و سندیکایی که به ایران سفر کرده بودند دیدار کرده و در مورد مصائب و مشکلات و ستم‌های روا شده به کارگران ایران و سایر نقاط جهان به بحث و گفتگو پرداختند. دولت با اتکا به دستگاه امنیتی در عوض حل مشکلات معیشتی کارگران اقدام به دستگیری و پرونده سازی برای واله زمانی و سایر فعالین صنفی و اجتماعی کرده و با اعمال فشار و نگهداری او در سلول انفرادی در پی تهیه‌ی سناریویی سوخته برای فعالین هستند. ماه‌ها نگهداری این افراد در سلول انفرادی تلاشی مذبوحانه از جانب حاکمیت برای خنثی کردن اعتراضات و مطالبه‌گری کارگران و سایر بخش‌های جامعه است. اما افرادی چون واله زمانی به واسطه‌ی شرایط موجود و افکار و اندیشه‌های انسان دوستانه، در تمامی کشور حضور دارند و مدام در جهت تغییر وضع موجود تلاش می‌کنند.

در پایان لازم می‌دانم به این موضوع اشاره کنم که با توجه به بیماری‌های متعدد واله زمانی و عدم دسترسی به پزشک و خدمات درمانی مناسب، جان این فعال

ما از تمامی شخصیت‌ها، نهادهای کارگری، سیاسی، اجتماعی در داخل و خارج کشور می‌خواهیم که سکوت نکنند و خواهان ابطال این قانون سیاه حمایتی از تروریسم جمهوری اسلامی شوند. دولت بلژیک بعنوان همدست، همکار و دست در دست جمهوری اسلامی باید افشا و رسوا شود. لغو و ابطال قانون و معامله کثیف و باج‌دهی به گروگانگیری جمهوری اسلامی خواست ماست.

همدوش میلیون‌ها ایرانی و غیر ایرانی گروگان گرفته شده در ایران و منطقه خواهان سرنگونی نظام سیاه اسلامی هستیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! بایکوت جمهوری اسلامی!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲

بلیط بازگشت "قهرمانانه" به امالقراء اسلام را از دولت بلژیک دریافت خواهید کرد!"

نیرنگ و ریاکافی ایست! اینرا هر تحلیلگری میداند که این دفاع از شهروند خودی و نگرانی بحال آنها نیست. این باز گذاشتن دست تروریستها و لغو تام و تمام امنیت شهروندان بلژیکی، دو تابعیتی‌ها در سایه‌چالهای رژیم جنایت‌پیشه اسلامی در ایران و پناهجویان است!

این تقابل علنی و آشکار با مبارزات جاری میلیون‌ها نفر در داخل و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی در شرایطی ایست که رژیم در جنگ بقا و نابودی ایست. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری با تمام توان علیه این معامله کثیف و کاپیتولاسیون به نفع دیپلماسی ترور و گروگانگیری جمهوری اسلامی خواهد ایستاد!

این معامله ننگین بعد از ساعتها چانه‌زنی در پارلمان، بعد از اعلام چند باره تروریست بودن دولت اسلامی ایران از طرف ارائه‌دهندگان لایحه به پارلمان و اشک تسماح ریختن بحال گروگانهای اسیر در زندانهای ایران بتصویب رسید. این معامله پس از مطلب علنی حسین شریعتمداری و امثال رضایی در زمینه گروگانگیری برای معامله و باج‌گیری انجام میگردد!

این زدوبند رسوا بعد از آه و ناله فراوان ناسیونالیستی سران دولت بلژیک بحال گروگانهای "نگون‌بخت" و به اصطلاح در دفاع از آنها به قانون تبدیل شد! تا به سیاست گروگانگیری و باج‌خواهی نظام تروریست پرور اسلامی رسمیت دهد و اعلام کنند که: "بفرمائید ترور کنید! شهروندان بیگناه را بگروگان بگیرید و حتی اگر محاکمه و محکوم شدید

بازنشستگان راهپیمایی کردند و شعار میدادند: "ما بازنشستگانیم، از یاد رفتگانیم"، "تا حق خود نگیریم، از پانمی نشینیم". در شوشتر بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و شعا رمیدادند: "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، "وعده زیاد شنیدیم، نتیجه اش را ندیدیم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست".

زیر فشار اعتراضات بازنشستگان مهدی عیسی زاده رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از موافقت قالیباف رئیس مجلس در خصوص افزایش ۳۸ درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به علاوه ۵۱۵ هزار تومان برای سایر سطوح خبر داد. او میگوید: "در این زمینه ریاست مجلس پس از بررسی پاسخ دولت در نهایت نظر هیئت تطبیق قوانین مجلس مبنی بر

خواستار خود را اعلام کرده اند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگان و پایان دادن به اختلاسها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی اسماعیل گرامی بازنشسته زندانی از دیگر خواستههای اعلام شده آنهاست. بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند که نقش مهمی در جلو آوردن خواستههای سراسری همه مردم داشته و توانسته اند با مبارزاتشان بر روی فضای سیاسی کل جامعه تاثیر بگذارند. از مبارزات و خواستههایشان باید وسیع حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ تیر ۱۴۰۱، ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۲

اجرای مصوبه شورای عالی کار برای بازنشستگان سایر سطوح را جهت اجرا به دولت ابلاغ کرد. امیدواریم پس از ابلاغ دولت به سازمان تامین اجتماعی این سازمان بر اساس مصوبه هیئت امنای صندوق سازمان تامین اجتماعی همان افزایش ۳۸ درصدی به اضافه ۵۱۵ هزار تومان برای بازنشستگان سایر سطوح (غیر حداقل پگیران) اجرایی و از ماه آینده اقدام نماید".

بازنشستگان میگویند ابراز امیدواری پاسخ نیست. باید مصوبه افزایش ده درصدی حقوقها رسماً لغو شود. بعلاوه اعتراض آنها به یک تعرض معیشتی به زندگی شان است. ضمن اینکه آنها خواستار اجرای کامل همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آنها به بالای خط فقر هستند و در تجمعاتشان با بنرهایی با مضمون "نه به حقوقهای زیر خط فقره‌جده میلیونی"

قانون "تروریسم پناهی" دولت بلژیک را طرد و رسوا کنیم!



کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اسلامی ایران در بلژیک و اتحادیه اروپا امضا شده بود در پارلمان بلژیک با ۷۹ رأی موافق، ۴۱ رأی مخالف و ۱۱ رأی ممتنع به قانون تبدیل شد. قانونی که مهر باطل شد بر استقلال ادعایی قوه قضائیه از دو قوه اجرایی و قانون‌گذار

سرنجام معامله بین دولت بلژیک عضو اتحادیه اروپا و دولت کثیف اسلامی ایران در مورد انتقال محکومین، که در اواخر اسفند ۱۴۰۰ در بروکسل پایتخت بلژیک بین یکی از مدیران ارشد دادگستری بلژیک و غلامحسین دهقانی سفیر جمهوری

۲۹ تیر: ادامه اعتراضات بازنشستگان در شوش، اهواز، شوشتر، بهبهان

اعتراضشان را علیه فقر و بی‌تامینی و کل بساط نوحش و بردگی حاکم بلند کردند. در تجمع روز ۲۹ تیر بازنشستگان در شوش شعار میدادند: "ظلم و ستم کافیست، سفره ما خالیه"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "وعده وعید چه خوب بود، ولی همش دروغ بود"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم. در اهواز نیز بازنشستگان مثل روزهای قبل در ادامه تجمع خود راهپیمایی کردند. آنها با در دست گرفتن بنری با نوشته "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "مخبر، رئیس، قالیباف، حقمون را میگیریم"، "کجای این عدالته، دستش تو جیب ملته"، و "دولت شش کلاسه، همین روزها خلاصه". در بهبهان

کمیتر روزی است که بازنشستگان به شرایط غیر قابل تحمل حقوقها و زیست خود دست به اعتراض زنند. روز ۲۹ تیر شاهد ادامه اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، شوشتر و بهبهان بودیم که در اعتراض به عدم افزایش حقوقها و اجرای کامل همسان سازی و بی‌پاسخ ماندن خواستههایشان صورت گرفت. روز ۲۵ تیر نیز در همین رابطه بازنشستگان در ۲۵ شهر تجمع داشتند و با سردادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" و دیگر شعارهای کوبنده شان که کل حاکمیت را به چالش میکشد صدای

انقلاب زنانه به کارزار آزادی زنان معترض به حجاب، بپیوندید! حجاب بی حجاب



- همراهان گرامی!
انقلاب زنانه به همه شما فراخوان میدهد به کارزار آزادی زنان معترض به حجاب، بپیوندید!
 ▪ در قدم اول، خبر بازداشت این زنان را در صفحات خود منتشر کنید!
 ▪ از طرف تشکل خود، یا جمع خود در محل زندگی، محیط کار یا تحصیل، برای آزادی این زنان بیانیه تهیه کنید!
 ▪ در شبکه های اجتماعی با هشتگ #زنان_معترض_به_حجاب_را_آزاد_کنید از حق آزادی پوشش و حق اعتراض به حجاب اجباری به زبان فارسی و انگلیسی بنویسید!
 ▪ همه جا شعارنویسی و دیوارنویسی کنید: ملیکا قراگوزلو را آزاد کنید! سوری بابایی چگینی را آزاد کنید! سپیده رشنو را آزاد کنید!
 ▪ نامه انقلاب زنانه به سازمانها و نهادهای بین المللی را، به هر نهاد و سازمان بین المللی که می شناسید، ارسال کنید!
 ▪ در خارج از کشور با رسانه های محلی ارتباط برقرار کنید و این بازداشت ها اطلاع رسانی کنید!
 ▪ در تجمعات و آکسیونهای خارج کشور، پوسترها و تصاویر این زنان را در دست داشته باشید و مردم شهری که در آن ساکن هستید را از مبارزه زنان در ایران علیه حجاب اجباری و بازداشت زنان فعال در این عرصه، آگاه کنید!
 ▪ هر فرصت و امکان و ابتکاری که دارید را، برای آزادی زنان بازداشت شده، بکار ببرید!

گزارش، ویدیو و عکس از فعالیتهای خود را برای انقلاب زنانه ارسال کنید!
 . (<https://t.me/media09up/10249>) ارتباط و ارسال مطلب و گزارش به انقلاب زنانه
 پیامگیر تلگرام <https://t.me/WRTamas>
 تلگرام، واتساپ، سیگنال ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸

۲۵ تیر: تجمعات پرشمار و سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی

در شوش خانواده ها نیز شرکت کردند

روز ۲۵ تیر بنا به فراخوان از قبل اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی علیرغم گرمای زیاد تجمعات بزرگی در شهرهای مختلف برگزار کردند و خواستهای خود را فریاد زدند. این تجمعات در اعتراض به حقوقهای نازل و نامتناسب با گرانی و تورم افسار گسیخته و مصوبه افزایش تحقیرآمیز درصدهای مستمری هایشان توسط دولت و عدم پاسخگویی به دیگر خواستهها برگزار شد. گزارشات دریافتی گویای اینست که تجمعات در شهرهای مختلف از جمله تهران، خرمشهر، شوش، بابل، اراک، اصفهان، اهواز، همدان، کرج، سیرجان، خرم آباد، ایلام، تبریز، شوشتر، زنجان، کرمانشاه، اردبیل، بیرجند، قزوین و رشت برگزار شده است.

در شوش حدود هفتصد نفر تجمع داشتند و خانواده ها نیز در اعتراضات شرکت داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "گرانی تورم بلای جان مردم"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تنگ ما تنگ ما، مخبر الدنگ ما"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، و تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه". "یک صحنه شورانگیز آن سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی.. مرگ بر این بردگی" بود. این سرود در شهرهای دیگر از جمله در اراک و کرج نیز سر داده شد و توجه مردم را برانگیخت. در اراک جمعیت بزرگی از بازنشستگان در اعتراض شرکت کرده بودند و در حالیکه در خیابانهای شهر راهپیمایی میکردند این سرود را میخواندند و صدای آن بر

فضای شهر طنین انداخته بود. آنها شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، هر روز همین بساطه". تهران تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی و معلمان بازنشسته در مقابل سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار با حضور نیروهای مزدور حکومت روبرو شد و تعدادی نیز بازداشت شدند. هنوز گزارش دقیقی از تعداد هویت بازداشت شدگان دریافت نشده است. علیرغم این تهاجم، گروههایی از بازنشستگان در محل باقی ماندند و شعارهای اعتراضی شان را سردادند. از جمله شعار میدادند: "دولت خیانت میکند، مجلس نفرت خود را علیه مستولین حمایت میکند". در کرج نیز بیش از دویست نفر در تجمع شرکت داشتند و دو ساعت تمام یک نفس شعار دادند و اعتراضشان را فریاد زدند. بنا بر خبر دولت قصد دارد به بهانه غدیر مبلغی به بازنشستگان آنهم نه به همه آنها پرداخت کند. و این اقدامی در جهت سرباز زدن از افزایش حقوقها و حتی اجرای همان مصوبه حداقلی شورای عالی کار و در عین حال تلاش برای ایجاد تفرقه در میان بازنشستگان است. در پاسخ بازنشستگان شعار میدادند: "عید غدیر نمی خوام حقوق مان را بگویم". دیگر شعارهای کارگران بازنشسته در این تجمع عبارت بودند از: "مخبر بی لیاقت استعفا استعفا"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون"، "سی سال پس انداز کردیم اختلاس که نکردیم"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم، بازنشسته اتحاد اتحاد".

تجمع کرج از ساعت ده شروع شد و آرام آرام حضور پلیس پر رنگ شد و یگان ویژه موتور سوار به طرف تجمع کنندگان حرکت کرد و در ساعت یازده و نیم به جمعیت حمله کردند. در این جا صحنه با شکوهی از مقاومت و مبارزه در میان بازنشستگان شکل گرفت.

در اهواز این کانون داغ اعتراضات بازنشستگان در این روز نیز تجمع و راهپیمایی بود و جمعیت بزرگی شرکت داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "دولت شش کلاسه، همین روزا بلای جان مردم"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میکن به ملت". در زنجان بازنشستگان با شعارهای "تامین اجتماعی چه نام اشتباهی"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه" اعتراض خود را به حکومتیان که روز بیست و پنج تیر را روز "تامین اجتماعی" خوانده اند و به وضع بد معیشتی و بی تامینی خود اعتراض کردند. در کرمان و مشهد نیز بازنشستگان تجمع داشتند. در کرمان جمعیت بزرگی از بازنشستگان در شهر راهپیمایی کرده و با شعارهای "هم دولت، هم مجلس، وعده و وعید کافیه"، "رئیس دروغگو، حاصل وعده ها کو اعتراضشان را فریاد زدند. و در مشهد با شعار " فریاد، فریاد، از



اینهمه بیداد" اعتراض خود را به سردواندن های حکومتیان و وضع بی تامینی خود اعلام کردند.

در اصفهان بازنشستگان با شعار "حقوق ما زیر عباله شده" بساط دزدی و چپاول حاکم را به چالش کشیدند. در این روز بازنشستگان کرمانشاه با شعارهای "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت" تجمع داشتند و برای فردا ۲۶ تیر نیز تجمع خواهند داشت.

در شوشتر بازنشستگان دست به راهپیمایی زدند و شعار میدادند: "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میکن به ملت" بازنشستگان همچنین در اردبیل، رشت و تبریز تجمع داشتند. در اردبیل شعار دولت بی خبرند از ملت، "مسئول بی کفایت نمیکشه خجالت". در رشت بازنشستگان با شعار "رئیس دروغگو حاصل وعده هات کو" حمله شان به وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

همه را بلند کرده است و در تبریز تجمع کنندگان با زبان ترکی شعار میدادند: "ملت ما از بی عدالتی به تنگ آمده و دادش درآمده است" در خرم آباد بازنشستگان

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ تیر ۱۴۰۱، ۱۶ ژوئیه
۲۰۲۲